

## سوره بقره (۲)

مدنی و شامل دویست و هشتاد و شش آیه

به نام خداوند بخشنده مهربان

الم (۱)

این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست. راهنمای افراد پرهیزکار است. (۲)

پرهیزکارانی که به غیب ایمان دارند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه روزی آن‌ها ساخته‌ایم انفاق

(در راه خدا خرج) می‌کنند. (۳)

افرادی که به آنچه به تو نازل شد (یعنی قرآن) و به آنچه قبل از تو نازل شد (یعنی به تورات و

انجیل و کتاب‌های پیغمبران دیگر)، ایمان و به آخرت یقین دارند. (۴)

چنین افرادی از جانب خداوندشان هدایت شده‌اند و چنین افرادی موفق و رستگار هستند. (۵)

به کافران چه هشدار بدهی چه ندهی، فرقی ندارد، آن‌ها ایمان نمی‌آورند. (۶)

خدا بر دل و گوش آن‌ها مهر زده (حاضر به فکرکردن و شنیدن نیستند) و بر چشم‌هایشان پرده‌ای

است (پرده تعصب به عقایدی که پیدا کرده‌اند) و عذاب بزرگی دارند. (۷)

عده‌ای از مردم می‌گویند که به خدا و روز آخرت ایمان آورده‌ایم، در صورتی که ایمان ندارند. (۸)

(فکر می‌کنند) خدا و مسلمانان را گول می‌زنند در صورتی که فقط خودشان را گول می‌زنند ولی

متوجه نیستند. (۹)

در دلشان (از لحاظ فکری) مرضی است. خدا مرضشان را اضافه کرد و به علت دروغی که

می‌گویند عذاب پردردی دارند. (۱۰)

وقتی به آن‌ها گفته شود که در زمین فساد نکنید، می‌گویند: ما اصلاح‌کننده هستیم. (۱۱)

بدانید که آن‌ها خرابکار هستند ولی متوجه نیستند. (۱۲)

و وقتی به آن‌ها گفته شود که همان‌طور که مردم ایمان آورده‌اند، شما هم ایمان بیاورید، می‌گویند:

آیا ما مثل افراد کم‌عقل ایمان بیاوریم؟ بدانید که آن‌ها خودشان کم‌عقل هستند ولی نمی‌دانند. (۱۳)

وقتی با افراد باایمان روبرو شوند می‌گویند که ایمان آورده‌ایم، ولی وقتی با شیطان‌های (همفکران) خود تنها شوند می‌گویند: ما با شما هم‌عقیده هستیم، ما فقط مسلمانان را مسخره می‌کنیم. (۱۴)

خدا آن‌ها را مسخره می‌کند و در طغیانشان سرگردان نگاه می‌دارد. (۱۵)

این افراد کسانی هستند که گمراهی را به قیمت هدایت خریده‌اند و تجارتشان سودی نداشته و راه صحیح را نشناخته‌اند. (۱۶)

وضع آن‌ها مانند کسانی است که آتشی روشن کردند، چون آتش اطراف آن‌ها را روشن کرد، خدا روشنایی آن‌ها را از بین برد و در حالی که نمی‌دیدند آن‌ها را در تاریکی وا گذاشت. (۱۷)

کر و لال و کورند و بر نمی‌گردند. (۱۸)

یا وضع آن‌ها مانند باران تندی است که از آسمان بیارد و در هنگام بارش، تاریکی و رعد و برق وجود داشته باشد و آن‌ها از ترس مردن از صاعقه‌ها انگشتهایشان را در گوششان بگذارند. خداوند به کافران احاطه دارد. (۱۹)

نزدیک است برق بینایی آن‌ها را از بین ببرد. هر وقت برق اطراف آن‌ها را روشن کند، چند قدمی راه می‌روند و وقتی هوا تاریک شود در جایشان می‌ایستند. اگر خدا بخواهد شنوایی و بینایی آن‌ها را از بین می‌برد. چون خدا توانایی کردن هر کاری را دارد. (۲۰)

ای مردم، خداوندتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، بندگی کنید (بنده و مطیع محض و بدون چون و چرای دستورهای هیچ‌کس جز خدا نباشید) تا پرهیزکار شوید. (۲۱)

خدایی که زمین را برای شما بستر قرار داد و آسمان را ساختمانی عظیم ساخت و از آسمان باران فرستاد و به‌وسیله آن انواع محصولات را از زمین برای خوردن شما خارج کرد. پس برای خدا مثل و مانندی قرار ندهید، در صورتی که این را می‌دانید. (۲۲)

و اگر درباره قرآنی که بر بنده‌مان (محمد) نازل کردیم در شك و تردید هستید، سوره‌ای مثل آن بیاورید و اگر راست می‌گویید شاهدهایتان را هم غیر از خدا دعوت کنید. (۲۳)

و اگر نتوانستید و هرگز نمی‌توانید، از آتشی که برای کافران فراهم شده و سوخت آن آدم‌ها و سنگ‌ها است بترسید. (۲۴)

و به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح (کار درست و به‌جا) انجام داده‌اند مژده بده که برای

آن‌ها بهشت‌هایی است که نهرها در آن روان است. هرگاه میوه‌ای از آن بهشت روزی آن‌ها شود، می‌گویند: این همان چیزی است که قبلاً روزی ما شده بود و شبیه آن برای آن‌ها آورده شده.

همسران پاکی در آن دارند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۵)

خدا خجالت نمی‌کشد که به يك پشه یا بالاتر از آن مثل بزند. اما افرادی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن مثل درست و از جانب خداوندشان است. اما کسانی که ایمان ندارند می‌گویند: خدا با این مثل چه چیزی می‌خواهد؟ عده زیادی را با آن گمراه می‌کند و عده زیادی را با آن هدایت می‌کند. در

صورتی که خدا فقط افراد خلاق را با آن گمراه می‌کند. (۲۶)

خلاقانی که عهده‌ی را که با خدا بسته‌اند می‌شکنند و چیزی را که خدا دستور داده وصل کنند قطع می‌کنند و در زمین خرابکاری می‌نمایند. چنین افرادی زیانکارند. (۲۷)

چگونه منکر خدا می‌شوید؟ در صورتی که مرده (بی‌جان) بودید و خدا به شما جان داد، بعد جان شما را می‌گیرد، بار دیگر شما را زنده می‌کند، و به سوی او برگردانده می‌شوید. (۲۸)

اوست که آنچه در زمین است برای شما خلق کرد، بعد به آسمان پرداخت و هفت آسمان به وجود آورد. او به هر چیز داناست. (۲۹)

و هنگامی که خداوند تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند؟! در صورتی که ما با ستایش تو، تو را تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم. خدا گفت: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (۳۰)

و خدا تمام اسم‌ها را به آدم یاد داد، بعد آن‌ها را به فرشتگان نشان داد و گفت: اگر راست می‌گویید اسم این‌ها را بگویید. (۳۱)

فرشتگان گفتند: خدایا تو پاکی، ما جز آنچه به ما یاد داده‌ای چیزی نمی‌دانیم، تو دانا و حکیم هستی. (۳۲)

خدا به آدم گفت: اسم‌های آن‌ها را به ایشان بگو. چون آدم اسم‌های آن‌ها را به ایشان گفت، خدا گفت: آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار و مخفی می‌کنید می‌دانم. (۳۳)

و وقتی را یادآوری کن که به فرشتگان گفتیم که به آدم سجده کنید، و تمام فرشتگان سجده کردند

به‌جز ابلیس که از سجده کردن خودداری کرد و تکبر ورزید. او از افراد قدر ناشناس بود (قدر علم را نمی‌شناخت). (۳۴)

و به آدم گفتیم: ای آدم، تو و زنت در بهشت ساکن شوید و از آن هر قدر و از هر کجا که خواستید بخورید، ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران می‌شوید. (۳۵)

ولی شیطان آن‌ها را دچار لغزش ساخت و از آنجا بیرون کرد. گفتیم: پایین (به زمین) بروید، بعضی از شما دشمن بعضی خواهید بود و در زمین محل استقرار و وسیله زندگی تا پایان عمر برای شما وجود خواهد داشت. (۳۶)

بعد آدم از صاحب‌اختیارش کلماتی یاد گرفت و خدا توبه او را پذیرفت چون او توبه‌پذیر مهربان است. (۳۷)

گفتیم: همگی پایین بروید، وقتی راهنمایی من برای شما آمد، هر کس که از راهنمایی من پیروی کند نه ترسی دارد و نه غصه‌ای. (۳۸)

کسانی که قبول نکردند و آیات ما را انکار کردند، اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۳۹)

ای بنی‌اسرائیل، نعمت خودم را که به شما دادم به یاد آورید و به عهد من وفا کنید تا من هم به عهد شما وفا کنم و فقط از من بترسید. (۴۰)

و به قرآن که تصدیق‌کننده توراتی است که با شما است ایمان بیاورید و اولین کافر به آن نباشید و آیات مرا به قیمت کمی نفروشید و فقط از نافرمانی من بترسید. (۴۱)

باطل را به جای حق معرفی نکنید و در صورتی که حقیقت را می‌دانید آن را پنهان نکنید. (۴۲)

و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و با رکوع روندگان به رکوع روید. (۴۳)

آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید و فراموش می‌کنید که خودتان هم باید آن را انجام دهید؟ در صورتی که شما کتاب دینی خود را می‌خوانید. آیا عقل ندارید؟ (۴۴)

از صبر و نماز کمک بگیرید. این‌کار، کار دشواری است، جز برای افرادی که تکبر ندارند. (۴۵)

افراد فروتنی که گمان می‌کنند خداوندشان را ملاقات می‌کنند و پیش او برگردانده می‌شوند. (۴۶)

ای بنی‌اسرائیل، نعمتم را که به شما دادم و شما را بر افراد جهان برتری دادم به یاد بیاورید. (۴۷)

و از روزی بترسید که از کسی برای دیگری کاری ساخته نیست و از کسی شفاعتی پذیرفته

نمی‌شود و از کسی توانی گرفته نمی‌شود و کمکی به آنها نخواهد شد. (۴۸)

و وقتی را یادآوری کنید که شما را از آل فرعون نجات دادیم که شما را به سختی عذاب می‌کردند، پسران شما را می‌کشتند و دختران شما را زنده می‌گذاشتند. در این کار آزمایشی بزرگ از طرف صاحب‌الاختیارتان وجود داشت. (۴۹)

و وقتی را به یاد آورید که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و آل فرعون را غرق کردیم و شما غرق شدن آنها را نگاه می‌کردید. (۵۰)

و وقتی چهل شب با موسی قرار گذاشتیم، در غیاب او گوساله را خدای خود گرفتید. شما آدم‌های ظالمی هستید. (۵۱)

و شما را بعد از آن کار بخشیدیم شاید سپاسگزاری کنید. (۵۲)

و در آن زمان به موسی کتاب و جداکننده حق و باطل دادیم تا راه را بشناسید. (۵۳)

و وقتی که موسی به قومش گفت: ای قوم من، به‌خاطر این‌که گوساله‌پرستی کردید به خودتان ظلم کردید، بنابراین به سوی آفریننده خودتان برگردید و یکدیگر را بکشید، این‌کار در پیش آفریننده شما بهتر است. خداوند توبه شما را پذیرفت، چون او توبه‌پذیر مهربان است. (۵۴)

و وقتی که گفتید: ای موسی، تا خدا را آشکارا نبینیم به حرف‌های تو ایمان نمی‌آوریم. در نتیجه دچار صاعقه شدید در حالی‌که نگاه می‌کردید. (۵۵)

و شما را پس از مردنتان زنده کردیم تا سپاسگزاری کنید. (۵۶)

و ابر را سایبان شما قرار دادیم و «من و سلوی» (دو نوع خوردنی) را برای شما نازل کردیم. از خوردنی‌های پاکی که روزی شما کردیم بخورید. آنها به ما ظلم نکردند ولی به خودشان ظلم کردند. (۵۷)

و وقتی را یادآوری کن که گفتیم: وارد این شهر بشوید و از هر جای آن و هر قدر که خواستید بخورید و سجده‌کنان (با خضوع و خشوع) از دروازه آن وارد شوید و بگویید که گناهان ما را ببخش، تا گناهان شما را بیامرزیم، و تعداد افراد نیکوکار و نعمت آنها را زیادت‌تر خواهیم کرد. (۵۸)

(۵۸)

ولی ستمگران حرفی را که به آنها زده شده بود به حرف دیگری تبدیل کردند. بنابراین ما به سبب نافرمانی آنها از آسمان غذایی بر ستمکاران نازل کردیم. (۵۹)

و زمانی که موسی برای قومش آب خواست، به او گفتیم که با عصایت به سنگ بزن، در نتیجه دوازده چشمه از آن جاری شد. هر دسته‌ای محل آب خوردن خود را می‌دانست. گفتیم: از روزی خدا بخورید و بنوشید و در زمین فساد نکنید. (۶۰)

و وقتی که گفتید: ای موسی، ما نمی‌توانیم به یک جور غذا قانع باشیم، خدایت را بخوان تا برای ما از آنچه زمین می‌ارویاند در بیاورد از قبیل سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز. موسی گفت: آیا چیز خوب را با چیز بد عوض می‌کنید؟ وارد شهری شوید، در آن هر چیزی که می‌خواهید هست. و داغ خواری و فقر بر آنها زده شد و دچار خشم خدا شدند، چون منکر آیات خدا می‌شدند و پیغمبران را به ناحق می‌کشتند. این‌کار به علت این بود که سرکشی کردند و آدم‌های متجاوزی بودند. (۶۱)

مسلمانان و یهودیان و مسیحیان و صابئین، به طور کلی کسانی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشند و عمل صحیح و درست بکنند، پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است، نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۶۲)

و وقتی از شما تعهد گرفتیم و کوه را بالای سر شما بردیم. و گفتیم: دستورهایی را که به شما دادیم با قدرت تمام حفظ کنید و آنچه در آن است به‌خاطر داشته باشید تا پرهیزکار شوید. (۶۳)

ولی شما به پیمان خود پشت کردید. اگر فضل و رحمت خدا نسبت به شما نبود حتماً از زیانکاران می‌شدید. (۶۴)

حتماً کسانی از خودتان را که در روز شنبه تجاوز کردند می‌شناسید که به آنها گفتیم: میمون‌های رانده شده باشید. (۶۵)

آن را مجازاتی قرار دادیم که درس عبرت برای کسانی که در آن زمان و زمان‌های بعد از آنها بودند و پندی برای افراد پرهیزکار باشد. (۶۶)

و زمانی که موسی به قومش گفت که خدا به شما دستور می‌دهد که گاوی بکشید، گفتند: آیا ما را مسخره می‌کنی؟ موسی گفت: به خدا پناه می‌برم از این‌که از افراد جاهل باشم. (۶۷)

گفتند: از خداوندت بخواه که مشخصات آن را برای ما بیان کند. موسی گفت: خدا می‌گوید که آن گاوی است که نه از زایمان افتاده باشد نه بکر است. بلکه گاو میان‌سالی بین این دو حال است. بنابراین دستوری را که به شما داده می‌شود انجام دهید. (۶۸)

گفتند: از خداوندت بپرس که رنگ آن چطور است. موسی گفت: خدا می‌گوید که گاوی است زرد یکدست که بینندگان را خوشحال می‌کند. (۶۹)

گفتند: از خداوندت بخواه که برای ما بیان کند که مشخصات آن گاو چیست، چون گاو برای ما اشتباه می‌شود. اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد. (۷۰)

موسی گفت: خدا می‌گوید گاوی است که رام نیست که زمین را شخم بزند یا زراعت را آبیاری کند، نقصی ندارد و لکه‌ای در آن نیست. گفتند: حالا حقیقت را برای ما آوردی. بنابراین آن گاو را کشتند و نزدیک بود این کار را نکنند. (۷۱)

و وقتی که کسی را کشتید و کشتن آن را به گردن هم انداختید، در صورتی‌که خدا چیزی را که پنهان می‌کردید آشکار می‌کرد. (۷۲)

و گفتیم: پاره‌ای از آن را به بدن مقتول بزنید. خدا مردگان را این‌طور زنده می‌کند و آیاتش را به شما نشان می‌دهد شاید درک کنید. (۷۳)

بعد دل‌های شما سخت شد مثل سنگ یا سخت‌تر از سنگ. در صورتی که از بعضی سنگ‌ها نهر روان می‌شود و بعضی از آن‌ها می‌شکافند و آب از آن خارج می‌شود و بعضی از آن‌ها از ترس خدا فرو می‌ریزند. خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۷۴)

آیا انتظار دارید به حرف‌های شما ایمان بیاورند؟ در صورتی که عده‌ای از آن‌ها کلام خدا را می‌شنیدند و بعد از این‌که آن را می‌فهمیدند معنی آن را عوض می‌کردند و می‌دانستند چه کاری می‌کنند. (۷۵)

وقتی افراد مسلمان و باایمان را ملاقات می‌کنند می‌گویند که ایمان آورده‌ایم، و وقتی بعضی از آن‌ها با همفکران خود خلوت می‌کنند می‌گویند: آیا چیزهایی را که خدا برای شما معلوم کرده به آن‌ها می‌گویید تا به وسیله آن پیش صاحب‌اختیاران با شما بحث کنند؟ آیا عقل ندارید؟! (۷۶)

آیا نمی‌دانند که خدا آنچه را پنهان می‌کند و آنچه را آشکار می‌کند می‌دانند؟ (۷۷)

عده‌ای از آن‌ها بی‌سوادند و از کتاب الهی چیزی جز تصورات و آرزوهای خود نمی‌دانند و فقط گمان می‌کنند. (۷۸)

پس وای بر کسانی که با دست خود کتاب می‌نویسند و می‌گویند که این‌ها از جانب خدا است، برای آن‌که آن را به بهای ناچیزی بفروشند. پس وای بر آن‌ها به سبب چیزهایی که با دستشان نوشتند و وای بر آن‌ها از آنچه به دست می‌آورند. (۷۹)

گفتند: هرگز جز چند روزی آتش جهنم به ما نمی‌رسد. بگو: آیا از خدا تعهدی گرفته‌اید؟ اگر گرفته‌اید خدا هرگز خلاف تعهد خود کاری نمی‌کند، یا ندانسته از قول خدا حرف می‌زنید؟ (۸۰) بله هر کس کار بدی بکند و گنااهش او را احاطه کند اهل آتش جهنم است و همیشه در آن خواهد بود. (۸۱)

و کسانی که ایمان داشته باشند و کار درست بکنند اهل بهشت هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۸۲)

و وقتی از بنی‌اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط خدا را بندگی کنید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تهیدستان نیکی کنید و با مردم با زبان خوش صحبت کنید، و نماز را به پا دارید و زکات بدهید، ولی به‌جز عده کمی همگی روی گردانید و به پیمان خود پشت کردید. (۸۳) و وقتی از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید، شما پذیرفتید و خودتان به آن شهادت می‌دهید. (۸۴)

اما شما این‌هایی هستید که یکدیگر را می‌کشید و عده‌ای از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید و بر ضد آنان به گناه و ظلم به هم کمک می‌کنید و اگر آنان را به اسیری پیش شما بیاورند از آنان خون‌پها می‌گیرید در صورتی که بیرون کردن آن‌ها بر شما حرام است. آیا به قسمتی از کتاب ایمان می‌آوردید و قسمتی را قبول ندارید؟ کسانی از شما که چنین کاری کنند مجازاتشان در دنیا خواری است و در آخرت به دست شدیدترین عذاب‌ها سپرده می‌شوند و خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۸۵)

چنین افرادی کسانی هستند که به قیمت آخرت، دنیا را خریدند. عذاب آن‌ها تخفیفی پیدا نمی‌کند و یاری هم نمی‌شوند. (۸۶)



ما به موسی کتاب (تورات) را دادیم و دنبال او پیغمبران را فرستادیم و به عیسی پسر مریم دلیل‌های روشن دادیم و او را با روح پاک تایید کردیم. آیا هر وقت پیغمبری احکام و نظر‌هایی برخلاف دلخواه شما بیاورد تکبر می‌ورزید و عده‌ای از آن‌ها را به دروغ‌گویی متهم می‌کنید و عده‌ای را می‌کشید؟ (۸۷)

گفتند: دل‌های ما در غلاف است (قادر به درک پیام خدا نیست). نه این‌طور نیست، بلکه خدا به علت کفرشان آن‌ها را از رحمت خود دور ساخته، در نتیجه عده کمی از آن‌ها ایمان می‌آورند. (۸۸)

وقتی کتابی (قرآن) از جانب خدا برای آن‌ها آمد که تصدیق‌کننده توراتی است که با ایشان است و آن را شناختند منکر آن شدند، در صورتی که قبلاً می‌خواستند به‌وسیله آن بر افراد بی‌ایمان پیروز شوند. پس رحمت خدا از کافرین دور باد. (۸۹)

خود را به بد چیزی فروختند که از روی حسادت منکر چیزی شدند که خدا از فضل خودش بر هر يك از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند. بنابراین دچار خشم بیشتر الهی شدند. و برای کافران عذابی خوارکننده وجود دارد. (۹۰)

و وقتی به آن‌ها گفته شود که به آنچه خدا نازل کرده ایمان بیاورید، می‌گویند که ما فقط به آنچه بر ما (یهودیان) نازل شده ایمان می‌آوریم، و منکر غیر از آن می‌شوند اگرچه آن حق باشد و آنچه را که با ایشان است (کتاب الهی آن‌ها) را تصدیق بکند. بگو: اگر به حرف خود ایمان دارید، چرا پیغمبران خدا را که از خودتان بودند می‌کشید؟! (۹۱)

موسی دلیل‌های روشن برای شما آورد و شما بعد از رفتن او به و عده‌گاه، گوساله را به خدایی گرفتید و ستمکار بودید. (۹۲)

و وقتی از شما پیمان گرفتیم و کوه را بالای سر شما بردیم که توراتی را که به شما دادیم با قوت (محکم) بگیرید و از آن اطاعت کنید، گفتند که شنیدیم و نافرمانی کردیم، و به سبب کفرشان علاقه به گوساله در دلشان جا گرفت. بگو: اگر ایمان واقعی داشته باشید متوجه می‌شوید که کاری که ایمان غلط خودتان شما را به آن امر می‌کند بد چیزی است. (۹۳)

بگو: اگر راست می‌گویید که خانه آخرت (بهشت) فقط به شما اختصاص دارد و مردم سهمی از آن ندارند، آرزوی مرگ کنید (تا زودتر به نعمت‌های بهشت برسید). (۹۴)

و هرگز به علت کارهایی که کرده‌اند آرزوی مرگ نمی‌کنند. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند خوب می‌شناسند. (۹۵)

آن‌ها را علاقه‌مندتر از همه مردم حتی از مشرکین به زندگی دنیا می‌پای. هر يك از آن‌ها دوست دارد که هزار سال عمر کند. اگر این عمر هزار ساله را هم بکند، او را از عذاب نجات نخواهد داد. خدا کارهایی را که می‌کنند می‌بیند. (۹۶)

بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (دشمن خداست) چون جبرئیل قرآن را به فرمان خدا بر قلب تو نازل کرده که کتاب‌های قبل از خود را تصدیق می‌کند و برای افراد باایمان نشان‌دهنده راه و بشارت است. (۹۷)

هر کس دشمن خدا و فرشتگان و پیغمبران او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است)، و خدا دشمن کافران است. (۹۸)

مسئلاً آیات روشنی را بر تو نازل کردیم و فقط افراد خلافکار منکر آن می‌شوند. (۹۹)

آیا هر وقت عهدی بستند عدم‌ای از آن‌ها آن را دور می‌اندازند؟ حقیقت این است که بیشتر آن‌ها ایمان ندارند. (۱۰۰)

و وقتی رسولی از طرف خدا برای آن‌ها آمد که آنچه را که با ایشان است تصدیق می‌کرد عدم‌ای از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت‌سرشان انداختند مثل این‌که از آن اطلاعی ندارند. (۱۰۱)

و از آنچه شیطان‌ها در زمان فرمانروایی سلیمان می‌خواندند پیروی کردند. سلیمان کافر نشد ولی شیطان‌ها کافر شدند. به مردم سحر یاد می‌دادند. همین‌طور از آنچه که بر هاروت و ماروت دو

فرشته‌ای که در بابل بودند نازل شده بود پیروی می‌کردند. آن دو به کسی سحر یاد نمی‌دادند مگر وقتی که به او می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم، پس کافر نشو. مردم از آن‌ها چیزی را یاد

می‌گرفتند که بین مرد و زنش جدایی می‌انداخت. آن‌ها با آن به کسی جز با خواست خدا ضرر

نمی‌زدند و چیزهایی را یاد می‌گرفتند که ضرر و نفعی به آن‌ها نمی‌رساند و می‌دانستند کسی که

خریدار آن باشد در آخرت بهره‌ای ندارد. خود را به بد چیزی فروختند، کاش حقیقت را می‌دانستند. (۱۰۲)

اگر آن‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکار می‌شدند، می‌دانستند پاداشی که پیش خدا است از هر چیزی

بهتر است. (۱۰۳)

ای افراد باایمان، نگویید: راعنا (ما را مراعات کن)، بلکه بگویید: به ما نگاه کن. و این دستور را بشنوید و به کار بندید. کسانی که این کار را نکنند عذاب پردردی دارند. (۱۰۴)

کفار اهل کتاب و مشرکین دوست ندارند که خیری از خداوندتان به شما برسد، در صورتی که خدا هر کسی را که بخواد به رحمت خودش اختصاص می‌دهد. خدا صاحب فضل بزرگ است. (۱۰۵)

هر آیه‌ای را که نسخ کنیم یا از خاطرها ببریم، بهتر از آن یا مانند آن را می‌آوریم. آیا نمی‌دانی که خدا به هر کاری قادر است؟ (۱۰۶)

آیا نمی‌دانی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین متعلق به خدا است و غیر از خدا یار و یآوری نداری؟ (۱۰۷)

آیا می‌خواهید از رسولتان چیزی بخواهید، همان‌طور که قبلاً از موسی خواسته شد؟ هر کس ایمان را با کفر عوض کند راه راست را گم کرده است. (۱۰۸)

عده زیادی از اهل کتاب پس از این‌که حقیقت برای آن‌ها معلوم شد، به‌خاطر حسادتی که در دلشان است، دوست دارند که شما را بعد از این‌که ایمان آوردید به کفر برگردانند. پس آن‌ها را عفو کنید و آن‌ها را ببخشید تا خدا دستورش را صادر کند چون خدا قادر به هر کاری است. (۱۰۹)

و نماز را به‌پا دارید و زکات بدهید، و هر کار خیری که برای خود می‌کنید آن را نزد خدا می‌پایید، چون خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۱۱۰)

و گفتند: فقط یهودیان و عیسویان وارد بهشت می‌شوند. این آرزوی آن‌ها است. بگو: اگر راست می‌گویید دلالتان را بیاورید. (۱۱۱)

آری، هر کس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد پاداشش پیش خداوندش محفوظ است، نه ترسی دارد و نه غصه‌ای. (۱۱۲)

یهودیان گفتند: عیسویان راهشان درست نیست. و عیسویان گفتند: یهودیان راهشان درست نیست. در صورتی که آن‌ها کتاب دینی خود را می‌خوانند. تمام افراد نادان هم عین حرف آنان را می‌زنند. خدا روز قیامت بین آن‌ها درباره چیزی که در آن اختلاف نظر داشتند حکم می‌کند. (۱۱۳)

چه کسی ظالم‌تر از کسی است که از ذکر نام خدا در مساجد جلوگیری و سعی در خرابی آن‌ها

می‌کند. چنین افرادی حق ندارند وارد مساجد شوند مگر با ترس. آن‌ها در دنیا خوار خواهند شد و در آخرت عذاب بزرگی دارند. (۱۱۴)

**مشرق و مغرب مال خدا است. پس به هر طرف رو کنید خدا همان طرف است.** خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۱۱۵)

گفتند: خدا فرزندی دارد. او از این‌کار برکنار است. هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال او است. همه مطیع او هستند. (۱۱۶)

پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است، وقتی تصمیم به کاری بگیرد فقط می‌گوید که این‌طور بشو، همان‌طور می‌شود. (۱۱۷)

افراد نادان می‌گویند: چرا خدا با ما صحبت نمی‌کند یا آیهای (معجزه‌ای) برای ما نمی‌آید؟ کسانی هم که قبل از آن‌ها بودند عین همین حرف را می‌زدند. نظرشان شبیه هم است، ما آیات را برای افرادی که یقین دارند بیان کرده‌ایم. (۱۱۸)

ما تو را به حق برای مژده‌دادن و ترساندن (درباره نتیجه کارهایشان) فرستادیم. درباره اهل جهنم از تو بازخواست نمی‌شود. (۱۱۹)

تا از آیین یهودی‌ها و عیسوی‌ها پیروی نکنی، هرگز از تو راضی نمی‌شوند. بگو: **هدایت واقعی هدایت خدا است.** اگر بعد از این‌که علم برای تو حاصل شد از دلخواه آن‌ها پیروی کنی، در مقابل **خدا هیچ یار و یآوری نخواهی داشت.** (۱۲۰)

کسانی‌که به آن‌ها کتاب دادیم و آن‌طور که حق خواندن آن است آن را می‌خوانند به درستی قرآن ایمان دارند. کسانی‌که منکر آن شوند زیانکارند. (۱۲۱)

ای بنی‌اسرائیل، نعمتی را که به شما دادم و شما را بر جهانیان برتری دادم به یاد داشته باشید. (۱۲۲)

و از روزی بترسید که کسی ذره‌ای جزای کسی را نمی‌دهد و از کسی توانی پذیرفته نمی‌شود و شفاعتی برای کسی فایده‌ای ندارد و یاری هم نمی‌شوند. (۱۲۳)

و وقتی خداوند ابراهیم را با کلماتی امتحان کرد و او تمام آن‌ها را به جا آورد، خداوند گفت: من تو را امام (رهبر و پیشوای) مردم می‌سازم. ابراهیم گفت: آیا از نسل من هم کسی امام می‌شود؟ خدا

گفت: عهد من شامل کسانی که ظلم می‌کنند نمی‌شود. (۱۲۴)

و وقتی که خانه کعبه را برای مردم، محل اجتماع و امنیت قرار دادیم، گفتیم: از محل اقامت ابراهیم نمازگاه بسازید. با ابراهیم و اسماعیل قرار گذاشتیم که خانه مرا برای طواف‌کنندگان و کسانی که

برای عبادت در آن می‌مانند و رکوع و سجودکنندگان پاک سازید. (۱۲۵)

و وقتی را یادآوری کن که ابراهیم گفت: خداوندا، این سرزمین را امن ساز و هر کس از مردم آن را که به خدا و روز آخرت ایمان آورد از محصولات آن بهره‌مند ساز. خدا گفت: کسی که کافر شود

مدت کمی او را بهره‌مند می‌سازم بعد او را در آتش جهنم بیچاره می‌کنم. **جهنم بد جایی است.**

(۱۲۶)

و زمانی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه کعبه را بالا بردند، گفتند: خداوندا از ما بپذیر، چون

تو شنونده دانایی. (۱۲۷)

خداوندا، ما دو نفر را تسلیم خود ساز و از نسل ما امتی بوجود آور که تسلیم تو باشند و آداب

عبادتمان را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر چون تو توبه‌پذیر مهربان هستی. (۱۲۸)

خداوندا، در بین آن‌ها رسولی از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آن‌ها بخواند و به آن‌ها کتاب و

حکمت بیاموزد و آن‌ها را پاک سازد. چون تو توانا و حکیم هستی. (۱۲۹)

چه کسی جز آدم کم عقل از آیین ابراهیم روگردان است؟ ما ابراهیم را در دنیا برگزیدیم و او در

آخرت از درستکاران است. (۱۳۰)

هنگامی که خداوند ابراهیم به او گفت که تسلیم شو، ابراهیم گفت: تسلیم صاحب‌اختیار همه مردم

جهان شدم. (۱۳۱)

ابراهیم و یعقوب فرزندان‌شان را به اسلام (تسلیم خدا بودن) سفارش کردند و گفتند: فرزندانم خدا

برای شما این دین را انتخاب کرده بنابراین جز در حال تسلیم خدا بودن (مسلمانی) از دنیا نروید.

(۱۳۲)

یا وقتی که مرگ یعقوب فرا رسید شاهد بودید؟ وقتی به فرزندان‌ش گفت: بعد از من بندگی چه کسی

را می‌کنید؟ گفتند: خدای واحد را که معبود تو و پدرانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق است بندگی

می‌کنیم، و ما تسلیم او (مسلمان) هستیم. (۱۳۳)

آن‌ها عده‌ای بودند که از دنیا رفتند، هر کاری کردند مال خودشان است و آنچه شما می‌کنید مال شما است و درباره کارهایی که آن‌ها می‌کردند از شما بازخواست نمی‌شود. (۱۳۴)

گفتند: یهودی یا عیسوی باشید تا هدایت شوید. بگو: بلکه آیین ابراهیم یکتاپرست برای هدایت کافی است. او مشرک نبود. (۱۳۵)

بگویید: ما به خدا و آنچه به ما نازل شده (یعنی قرآن) و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شده (یعنی به تورات و انجیل) و آنچه به پیغمبران از خداوندشان داده شده ایمان داریم، فرقی بین هیچکدام آن‌ها نمی‌گذاریم و ما تسلیم خدا هستیم. (۱۳۶)

اگر آن‌ها هم به آنچه شما دارید ایمان آوردند، هدایت شده‌اند و اگر رو گرداندند، فقط قصد مخالفت و جدایی دارند. خدا تو را از آسیب آن‌ها حفظ می‌کند. او شنوا و دانا است. (۱۳۷)

اسلام دین خدایی است، چه دینی بهتر از دین خدا (یعنی تسلیم دستورهای خدا بودن) است و ما او را بندگی می‌کنیم. (۱۳۸)

بگو: آیا درباره خدا با ما بگومگو می‌کنید؟ در حالی‌که او خداوند ما و شما است. کارهای ما مال ما و کارهای شما مال شما است (هر کس مسؤول اعمال خودش است) و ما دین را برای او خالص می‌کنیم. (۱۳۹)

یا می‌گویید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان یهودی یا عیسوی بودند. بگو: شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ و چه کسی ظالم‌تر از کسی است که شهادتی را که از خدا دارد پنهان می‌کند؟ خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۱۴۰)

آن‌ها عده‌ای بودند که از دنیا رفتند، هر کاری که کردند مال خودشان است و کارهایی که شما می‌کنید مال شما است و درباره کارهایی که آن‌ها می‌کردند از شما بازخواست نمی‌شود. (۱۴۱)

مردم کم عقل خواهند گفت: چه چیزی آن‌ها را از قبله‌ای که بر آن بودند رو گردان کرد؟ بگو: مشرق و مغرب مال خدا است، هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۱۴۲)

به این ترتیب شما را امت میانه قرار دادیم تا بر مردم شاهد باشید و پیغمبر هم شاهد بر شما باشد. قبله‌ای را که بر آن بودی فقط برای این قرار دادیم که کسی را که از پیغمبر پیروی می‌کند از

کسی که عقب گرد می‌کند تشخیص دهیم. این کار برای افرادی غیر از آن‌هایی که خدا هدایتشان کرده سخت است. سزاوار خدا نیست که ایمان شما را از بین ببرد، چون خدا نسبت به مردم رؤوف و مهربان است. (۱۴۳)

چرخاندن صورتت را در آسمان می‌بینیم، بنابراین تو را به طرف قبله‌ای که می‌پسندی برمی‌گردانیم. بنابراین صورتت را به طرف مسجدالحرام برگردان، و شما هر جا که بودید صورتتان را به طرف آن برگردانید. کسانی که به آن‌ها کتاب الهی داده شده می‌دانند که آن حق و از طرف خداوندشان می‌باشد و او از کارهایی که می‌کنند غافل نیست. (۱۴۴)

اگر هر معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نمی‌کنند و تو هم پیرو قبله آن‌ها نیستی. بعضی از آن‌ها هم پیرو قبله دیگران نیستند. اگر بعد از این‌که علم برای تو حاصل شد از دلخواه آن‌ها پیروی کنی از ستمگران خواهی بود. (۱۴۵)

کسانی که به آن‌ها کتاب داده‌ایم پیغمبر را می‌شناسند همان‌طور که بچه‌های خود را می‌شناسند.

عده‌ای از آن‌ها حق را پنهان می‌کنند در صورتی که آن را می‌دانند. (۱۴۶)

**حق از جانب خداوند تو است، بنابراین از کسانی که دچار شك هستند نباش.** (۱۴۷)

هر کسی قبله‌ای دارد که رو به سوی آن می‌کند، بنابراین در کارهای خیر با هم مسابقه بدهید. هر جا که باشید خدا همه شما را (برای حسابرسی) می‌آورد چون خدا قادر به هر کاری است. (۱۴۸)

از هر جا بیرون رفتی صورتت را به طرف مسجدالحرام برگردان چون این‌کار حق و از جانب خداوند تو است و خدا از کارهایی که می‌کنید غافل نیست. (۱۴۹)

و از هر جا بیرون رفتی صورتت را به طرف مسجدالحرام برگردان و هر جا بودید صورتتان را به طرف مسجدالحرام برگردانید تا غیر از ستمگران، مردم دلیلی علیه شما نداشته باشند. بنابراین

**از آن‌ها نترسید و از من بترسید تا نعمت خودم را بر شما کامل کنم تا هدایت شوید.** (۱۵۰)

همان‌طور که برای شما رسولی از خودتان فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک

سازد و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و به شما چیزهایی را که نمی‌دانستید یاد بدهد. (۱۵۱)

**بنابراین مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپاسگزاری مرا بکنید و ناسپاسی نکنید.** (۱۵۲)

ای افراد باایمان، از صبر و نماز کم‌کم بخواید چون خدا با افراد صبور است. (۱۵۳)

به کسی که در راه خدا کشته شده مرده نگویید، بلکه آن‌ها زنده هستند ولیکن شما توجه ندارید. (۱۵۴)  
و حتماً شما را با چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کم کردن از مال و جان و محصولات امتحان  
می‌کنیم. در این امتحان به افراد صبور مژده بده. (۱۵۵)

افرادی که وقتی مصیبتی به آن‌ها رسید می‌گویند: ما مال خدا هستیم و به سوی او برمی‌گردیم. (۱۵۶)

درود و رحمت خداوندشان بر چنین افرادی است و این‌ها راه صحیح را شناخته‌اند. (۱۵۷)  
صفا و مروه از شعائر خدا است. بنابراین کسی که حج خانه کعبه کند یا عمره بهجا آورد اشکالی  
ندارد که آن‌ها را طواف کند. کسی که میل به کار خیر دارد خدا قدرشناس و دانا است. (۱۵۸)  
کسانی که دلایل روشن و راهنمایی‌هایی را که ما نازل کردیم، بعد از این‌که آن را برای مردم در  
کتاب بیان کردیم، کتمان می‌کنند (به مردم نمی‌گویند) کسانی هستند که خدا و لعنت‌کنندگان آن‌ها را  
لعنت می‌کنند. (۱۵۹)

مگر کسانی که توبه کردند و کارهایشان را اصلاح کردند و حقایق را برای مردم بیان کردند، من  
توبه آن‌ها را می‌پذیرم. من توبه‌پذیر مهربان هستم. (۱۶۰)  
اما کسانی که حقایق را پوشاندند و در این حال مردند کسانی هستند که لعنت خدا و فرشتگان و تمام  
مردم بر آن‌ها است. (۱۶۱)

همیشه در این لعنت هستند و عذاب آن‌ها تخفیف داده نمی‌شود و به آن‌ها مهلتی هم داده نمی‌شود. (۱۶۲)

معبود شما معبودی واحد است. معبودی (کسی که در مقابل او احساس یا ابراز کوچکی کنید و  
بدون چون و چرا از دستورهای او پیروی کنید) غیر از او که بخشنده و مهربان است وجود  
ندارد. (۱۶۳)

در خلقت آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و حرکت کشتی در دریا با سودی که به مردم  
می‌رساند، و بارانی که خدا از آسمان نازل می‌کند و به وسیله آن زمین را پس از مردنش زنده  
می‌تماید، و جاندارانی که در زمین پخش کرده، و حرکت بادهای و ابرهای مسخر بین آسمان و زمین  
آیاتی (نشانه‌هایی) برای افراد عاقل وجود دارد. (۱۶۴)



عده‌ای از مردم غیر از خدا، ماندهایی برای خدا می‌گیرند و همان‌طور که خدا را دوست دارند آن‌ها را دوست دارند. ولی افراد باایمان بیشترین علاقه را به خدا دارند. اگر کسانی که ظلم می‌کنند آن وقتی را ببینند که عذاب می‌بینند، متوجه می‌شوند که تمام قدرت متعلق به خداست و عذاب خدا شدید است. (۱۶۵)

وقتی رهبرانی که از آن‌ها پیروی می‌شد عذاب را ببینند و اسباب و وسایل قطع شود از پیروان خود بیزاری می‌جویند. (۱۶۶)

پیروان می‌گویند: اگر فرصت دوباره‌ای به ما داده شود از رهبران خود بیزاری می‌جویم همان‌طور که آن‌ها از ما بیزاری جستند. خدا اعمالشان را که باعث حسرت آن‌ها است این‌طور به آن‌ها نشان می‌دهد ولی آن‌ها نمی‌توانند از آتش جهنم خارج شوند. (۱۶۷)

ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاک است بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید، چون شیطان دشمن آشکار شما است. (۱۶۸)

شیطان شما را به کارهای بد و زشت دعوت می‌کند و به شما دستور می‌دهد که چیزی را که نمی‌دانید از قول خدا بگویید. (۱۶۹)

وقتی به آن‌ها گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده (از کتاب الهی) پیروی کنید، می‌گویند: ما از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. اگر چه پدرانشان حقیقت را نشناخته و هدایت نشده باشند. (۱۷۰)

وضع دعوت افراد کافر مثل وضع کسی است که به حیوانی که جز صدا و ندایی نمی‌شنود بانگ بزند. آن‌ها کر و لال و کورند و قدرت درک و فهم ندارند. (۱۷۱)

ای افراد باایمان، اگر بندگی خدا را می‌کنید از خوردنی‌های پاکی که روزی شما کرده‌ایم بخورید و سپاس خدا را به جا آورید. (۱۷۲)

خداوند فقط حیوان مرده و خون و گوشت خوک و آنچه را که به نامی غیر از نام خدا سر بریده شده باشد بر شما حرام کرده. کسی که ناچار باشد، در صورتی که متجاوز نباشد و در خوردن زیاد پیروی نکند، گناهی بر او نیست که از این حرام‌ها بخورد. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۷۳)

کسانی که کتابی را که خدا نازل کرده کتمان می‌کنند (به مردم نمی‌گویند) و آن را به بهای ناچیزی می‌فروشند، کسانی هستند که فقط آتش به شکم خود می‌فرستند. خدا روز قیامت با آنها صحبتی نمی‌کند و پاکشان نمی‌سازد و عذاب پردردی دارند. (۱۷۴)

آنها گمراهی را به قیمت هدایت و عذاب را به قیمت آمرزش خریدند. آنها در مقابل آتش جهنم چه صبری دارند؟! (۱۷۵)

این کار به خاطر این است که خدا کتاب را به حق نازل کرده و کسانی که درباره کتاب دچار اختلاف شدند مخالفت زیادی با حق دارند. (۱۷۶)

نیکی آن نیست که صورتان را به طرف مشرق یا مغرب برگردانید، بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز آخرت و فرشتگان و کتاب و پیغمبران ایمان بیاورد و مال را، با وجود علاقه به آن، به خویشان و یتیمان و تهیدستان و در راه ماندگان و درخواست‌کنندگان و آزاد کردن بردگان بدهد و نماز را به پا دارد و زکات بدهد و وقتی عهده بست به آن وفا کند و در سختی‌ها و ضررها و موقع جنگ صبور باشد. چنین افرادی راست گفته‌اند و پرهیزکار هستند. (۱۷۷)

ای افراد باایمان، درباره کشته‌شدگان، قصاص بر شما واجب شد، آزاد در مقابل آزاد، بنده در مقابل بنده، زن در مقابل زن. هر کس که برادرش (ولی دم) مقداری گذشت کرد باید از آن به خوبی پیروی کند و خون‌بها را به خوبی به او بپردازد. این تخفیف و لطفی از طرف خداوند شما است. کسی که بعد از آن تعدی کرد عذاب دردناکی دارد. (۱۷۸)

ای افراد عاقل، در قصاص برای شما زندگی وجود دارد تا مسلط بر نفس شوید. (۱۷۹)

وقتی مرگ یکی از شما فرا رسید، اگر مالی از او باقی بماند، وصیتی به نفع پدر و مادر و نزدیکانش به طرز خوب بر او واجب است. این وظیفه افراد باایمان است. (۱۸۰)

کسی که وصیت را پس از این که شنید تغییر بدهد گنااهش به عهده کسانی است که آن را تغییر داده‌اند. چون خدا شنونده و دانا است. (۱۸۱)

کسی که از انحراف وصیت‌کننده یا از گناه او بترسد و بین کسانی را که ارث می‌برند اصلاح کند، گناهی نکرده است. چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۸۲)

ای افراد باایمان، روزه بر شما واجب شد همان‌طور که بر کسانی که قبل از شما بودند واجب شده

بود تا مسلط بر نفس شوید. (۱۸۳)

روزه، روزهای معلومی است. کسی از شما که مریض یا در حین سفر باشد به جای آن از روزهای دیگر روزه بگیرد و بر کسانی که توانایی دارند کفاره (جریمه) آن سیر کردن يك تهیدست است. کسی که میل به نیکی داشت برای او خوب است و اگر توجه داشته باشید می‌دانید که روزه گرفتن برای شما بهتر است. (۱۸۴)

ماه رمضان ماهی است که قرآن که راهنمای مردم و دلایل روشنی از هدایت و جداکننده حق و باطل است در آن نازل شده. بنابراین هر کس از شما به این ماه رسید باید روزه بگیرد و کسی که مریض یا در حال سفر باشد در روزهای دیگر به جای آن روزه بگیرد. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و سختی نمی‌خواهد و برای این که عده روزهای روزه را کامل کنید و (فقط) خدا را بزرگ شمارید، چون اوست که شما را هدایت کرده، تا از سپاسگزاران باشید. (۱۸۵)

وقتی بندگان من درباره من از تو سؤال می‌کنند، من به ایشان نزدیکم. دعای دعاکننده را وقتی مرا به کمک بخواند اجابت می‌کنم. پس آن‌ها باید دستورها و نظرهای مرا قبول کنند و به من ایمان بیاورند تا هدایت شوند. (۱۸۶)

شب‌های ماه رمضان همخوابگی با زنانتان برای شما حلال شده، آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها. خدا می‌داند که شما به خودتان خیانت می‌کنید، بنابراین توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس حالا با آن‌ها همخوابگی کنید و دنبال آنچه خدا برای شما مقرر کرده بروید و بخورید و بنوشید تا این که خط سفید از خط سیاه سپیده‌دم برای شما آشکار شود، بعد روزه را ادامه داده و تا شب کامل کنید. اگر برای عبادت در مسجد به سر می‌پرید شب‌ها هم با زنانتان همخوابگی نکنید. این حدود احکام خداوند است، به آن نزدیک نشوید، خدا آیتش را این‌طور برای مردم بیان می‌کند شاید مسلط بر نفس خود شوند. (۱۸۷)

مال همدیگر را به ناحق نخورید، و مقداری از آن‌ها را به قاضی‌ها ندهید تا قسمتی از مال مردم را به گناه بخورید، در صورتی که می‌دانید که مال شما نیست. (۱۸۸)

درباره هلال‌های ماه از تو سؤال می‌کنند. بگو: آن تقویمی برای مردم و تعیین زمان حج است. نیکی آن نیست که از پشت وارد خانه شوید. نیکوکار کسی است که متقی (مسلط بر نفس خود) باشد. از

در خانه وارد خانه شوید و از نافرمانی خدا بترسید تا رستگار شوید. (۱۸۹)

و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید ولی تعدی (تجاوز) نکنید. چون خدا افرادی را که تجاوز می‌کنند دوست ندارد. (۱۹۰)

کسانی را که با شما می‌جنگند هر کجا پیدا کردید بکشید و آنها را از جایی که شما را بیرون کردند، بیرون کنید. توطئه از آدمکشی بدتر است. و با آنها در مسجدالحرام تا موقعی که با شما در آن جنگ نکنند، نجنگید. اگر با شما جنگیدند آنها را بکشید، مجازات کافرین این است. (۱۹۱)

اگر از جنگ دست برداشتند خدا بخشنده مهربان است (شما هم ببخشید). (۱۹۲)

و با آنها بجنگید تا توطئه‌ای باقی نماند و دین مخصوص خدا شود. اگر دست برداشتند بدانید که تجاوز فقط بر ستمکاران جایز است. (۱۹۳)

ماه حرام در مقابل ماه حرام است و حرام‌ها قصاص دارد. اگر کسی به شما تعدی کرد همان‌طور که به شما تعدی کرده به او تعدی کنید و از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است. (۱۹۴)

در راه خدا خرج کنید و با دست خودتان خود را به هلاکت نیندازید و نیکی کنید چون خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۹۵)

حج و عمره را برای خدا کامل کنید. و اگر از حج‌کردن شما جلوگیری شد تا آنجا که امکان دارد قربانی کنید و سرتان را نتراشید تا وقتی که قربانی به محل خودش برسد. اگر کسی از شما مریض و یا سرش دچار ناراحتی بود، کفاره آن روزه یا صدقه یا قربانی است. و وقتی امنیت پیدا کردید، کسی که از عمره به حج دست یافت تا آنجا که میسر است قربانی کند. کسی که قربانی نکرد سه روز در حج و هفت روز بعد از برگشت از حج روزه بگیرد. این ده روز کامل است. این برای کسی است که خانواده‌اش اهل مسجدالحرام نباشد. از نافرمانی خدا بترسید و بدانید مجازاتی که خدا می‌کند بسیار شدید است. (۱۹۶)

حج در ماه‌های معلومی است. کسی که حج را در این ماه‌ها به جا می‌آورد بداند که در حج هم‌خوابگی با زنان و نافرمانی (از دستورهای خدا) و بگومگو جایز نیست. خدا هر کار خوبی را که بکنید می‌داند. توشه بردارید، که بهترین توشه تقوی (تسلط بر نفس و پیروی از دستورهای

خدا) است. ای افراد عاقل، از نافرمانی من پرهیزید. (۱۹۷)

بر شما گناهی نیست که دنبال فضل خداوندتان (خرید و فروش و تجارت) بروید، چون از عرفات برگشتید، خدا را در مشعرالحرام یاد کنید، و به یاد او باشید چنانکه او هدایتتان کرد، در صورتی که قبلاً از گمراهان بودید. (۱۹۸)

و از جایی برگردید که مردم برمی‌گردند، و از خدا طلب آمرزش کنید چون خدا آمرزنده مهربان است. (۱۹۹)

وقتی آداب حج را به‌جا آوردید، خدا را همان‌طور که پدرانتان را یاد می‌کنید یا بیشتر از آن یاد کنید. عده‌ای از مردم می‌گویند که خداوند، در دنیا وضع خوبی به ما بده، چنین افرادی در آخرت نصیبی ندارند. (۲۰۰)

و عده‌ای از آن‌ها می‌گویند خداوند، در دنیا و آخرت وضع خوبی به ما بده و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ نما. (۲۰۱)

آن‌ها بهره‌ای از آنچه کرده‌اند دارند. حسابرسی خدا سریع است. (۲۰۲)

خدا را در روزهای معینی (در ایام حج) یاد کنید کسی که دو روز جلو بیندازد گناهی ندارد و کسی هم که عقب بیندازد گناهی ندارد، البته برای کسی که پرهیزکار باشد. از نافرمانی دستورهای خدا حذر کنید و بدانید که شما پیش او جمع‌آوری خواهید شد. (۲۰۳)

از مردم کسی وجود دارد که سخنش درباره زندگی دنیا تو را به تعجب وا می‌دارد و خدا را در مورد آنچه در دلش می‌باشد گواه می‌گیرد در صورتی که او سرسخت‌ترین دشمن است. (۲۰۴)

وقتی از پیش تو برود (یا به ریاست برسد) در فساد کردن در زمین کوشش می‌کند و زراعت و نسل را از بین می‌برد. خدا فساد را دوست ندارد. (۲۰۵)

وقتی به او گفته شود از خدا بترس، تکبر او را بیشتر به گناه وا می‌دارد. جهنم برای او کافی است، جهنم بد جایی است. (۲۰۶)

در صورتی که عده‌ای از مردم جان خود را در راه کسب رضای خدا می‌دهند و خدا نسبت به بندگانش مهربان است. (۲۰۷)

ای افراد باایمان، همگی تسلیم فرمان خدا شوید و از راه شیطان پیروی نکنید چون او دشمن

آشکار شما است. (۲۰۸)

اگر بعد از این که دلایل روشن برای شما آمد دچار لغزش شدید، بدانید که خدا توانا و حکیم است. (۲۰۹)

آیا انتظار دارند که خدا و فرشتگان در سایه‌پانی از ابر پیش آن‌ها بیایند و کار تمام شود؟! همه کارها به خدا برگردانده می‌شود. (۲۱۰)

از بنی اسرائیل بپرس چه مقدار آیات روشن به آن‌ها دادیم؟ کسی که نعمت خدا (دستور خدا) را بعد از این که برای او آمد تغییر دهد، بداند که مجازات خدا شدید است. (۲۱۱)

برای افراد بی‌ایمان زندگی دنیا زینت داده شده و افراد باایمان را مسخره می‌کنند. در صورتی که روز قیامت افراد پرهیزکار از آن‌ها بالاتر هستند. خدا به هر کس که بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. (۲۱۲)

مردم امت واحدی بودند. خدا پیغمبران را برای بشارت دادن و بیم دادن فرستاد و کتاب را به حق به آن‌ها نازل کرد تا بین مردم در مواردی که اختلاف داشتند حکم کند. کسانی که به آن‌ها کتاب داده شده بود، بعد از این که دلایل روشن برای آن‌ها آمد، فقط از روی حسادت و تجاوز درباره آن دچار اختلاف شدند. خدا افراد باایمان را در مورد حقی که در آن اختلاف نظر داشتند مطابق قانون خود هدایت کرد. خدا هر کس را که بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۲۱۳)

آیا خیال کردید که وارد بهشت می‌شوید، در صورتی که هنوز امتحانی که از افراد قبل از شما شده بود از شما نشده؟ آن‌ها دچار سختی و رنج شدند و متزلزل گشتند به طوری که حتی پیغمبر و افرادی که با او بودند گفتند: پس یاری خدا کی خواهد بود؟ آگاه باشید که یاری خدا نزدیک است. (۲۱۴)

از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: هر چیز خوبی که انفاق می‌کنید اختصاص به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و تهیدستان و در راه‌ماندگان دارد. هر کار خوبی که بکنید خدا آن را می‌داند. (۲۱۵)

جنگ بر شما واجب شده در صورتی که شما از آن بدتان می‌آید. ولی خیلی چیزها است که شما از آن بدتان می‌آید در صورتی که به نفع شما است و خیلی از چیزها است که شما دوست دارید در

صورتی که به ضرر شما است. خدا می‌داند ولی شما نمی‌دانید. (۲۱۶)

از تو درباره جنگ در ماه حرام می‌پرسند. بگو: جنگ در ماه حرام گناه بزرگی است، در حالی که گناه جلوگیری از راه خدا و کفر به او و مسجد الحرام و بیرون کردن اهل آن از آن بزرگتر است. فتنه از قتل بدتر است. دائماً با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند. کسانی از شما که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته است و اهل جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۱۷)

مسلمانان و مهاجران و مجاهدان راه خدا امید رحمت خدا را دارند و خدا آمرزنده و مهربان است. (۲۱۸)

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آن‌ها گناه بزرگی وجود دارد و منفعت‌هایی هم برای مردم دارد ولی گناه آن‌ها بزرگتر از نفع آن‌ها است. از تو می‌پرسند که چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: آنچه را که بیشتر از مخارج زندگی است. خدا این‌طور آیات را برای شما بیان می‌کند شاید شما درباره دنیا و آخرت فکر کنید. (۲۱۹)

از تو درباره یتیمان سؤال می‌کنند، بگو: اصلاح کار آن‌ها بهتر است و اگر با آن‌ها معاشرت کنید برادران شما هستند. خدا افراد خرابکار و اصلاح‌کنندگان را می‌شناسد. اگر خدا می‌خواست شما را دچار زحمت می‌کرد، چون خدا توانا و حکیم است. (۲۲۰)

با زنان مشرک تا ایمان نیاورند ازدواج نکنید، بدون شك ازدواج با کنیز با ایمان بهتر از ازدواج با زن مشرک است، اگر چه دل شما را ببرد و به مردان مشرک تا وقتی ایمان نیاورند زن ندهید. مسلماً بنده با ایمان بهتر از مرد مشرک است، اگر چه او باعث تعجب شما شود. آن‌ها افراد را به آتش جهنم دعوت می‌کنند و خدا با قوانین خود شما را به بهشت و آمرزش دعوت می‌کند و آیاتش را برای مردم بیان می‌کند تا متوجه شوند. (۲۲۱)

درباره قاعدگی زنان از تو سؤال می‌کنند، بگو: آن ناراحت‌کننده است، در زمان حیض (قاعدگی) از زنان کناره‌جویی کنید و تا وقتی که پاک نشوند با آن‌ها هم‌خوابگی نکنید، وقتی هم که پاک شدند از جایی که خدا به شما دستور داده با آن‌ها هم‌خوابگی کنید (نه از جای دیگر). چون خدا توبه‌کنندگان و پاکان را دوست دارد. (۲۲۲)

زنان شما کشتزار شما هستند (برایتان فرزند می‌آورند). هر وقت که خواستید وارد کشتزار خود شوید و برای خود کار صحیح بکنید و از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که او را ملاقات می‌کنید و به افراد باایمان مژده بده. (۲۲۳)

نام خدا را دستاویز قسم‌های خود قرار ندهید که نیکی نکنید و پرهیزکار نباشید و بین مردم را اصلاح نکنید. خدا شنوا و دانا است. (۲۲۴)

خدا به علت قسم‌های بیهوده از شما بازخواست نمی‌کند ولی از شما به علت آنچه در دل دارید بازخواست می‌کند. خدا آمرزنده و بردبار است. (۲۲۵)

کسانی که قسم می‌خورند که با زنانشان هم‌خوابگی نکنند تا چهار ماه انتظار می‌کشند. اگر بازگردند خدا آمرزنده مهربان است. (۲۲۶)

و اگر تصمیم طلاق گرفتند، خدا شنوا و دانا است. (۲۲۷)

زنانی که طلاق داده شده‌اند باید سه بار از قاعدگی پاك شوند و اگر به خدا و روز آخرت ایمان دارند حق ندارند که آنچه خدا در رحم‌هایشان آفریده کتمان کنند و شوهرانشان اگر بخواهند آشتی کنند در این مدت به باز آوردن آن‌ها، سزاوارترند. زن‌ها حقوق شایسته‌ای دارند مثل وظایفی که دارند و مردان بر آن‌ها درجه‌ای برتری دارند. خدا توانا و حکیم است. (۲۲۸)

طلاق دوبار است. یا آن‌ها را به خوبی نگه دارید یا آن‌ها را به خوبی ترك کنید و جایز نیست که زره‌ای از آنچه به آن‌ها داده‌اید از آن‌ها بگیرید. مگر این‌که هر دو بترسند که حدود خدا را اجرا نکنند و اگر ترسیدید که هر دو حدود خدا را اجرا نکنند اشکالی برای آن‌ها وجود ندارد که زن پولی برای طلاق خود بدهد. این حدود خدا است بنابراین از آن تجاوز نکنید. کسانی که از حدود خدا تجاوز کنند ستمکارند. (۲۲۹)

اگر مرد زن را باز طلاق بدهد جایز نیست که دوباره با او ازدواج کند تا وقتی مرد دیگری با آن زن ازدواج کند. اگر شوهر دوم او را طلاق داد اشکالی ندارد که شوهر اول دوباره با او ازدواج کند. البته به شرط این‌که فکر کنند که حدود خدا را اجرا می‌کنند. این حدود خدا است که برای مردم آگاه بیان می‌کند. (۲۳۰)

وقتی زنان را طلاق دادید و به پایان عده رسیدند یا آن‌ها را به خوبی نگه دارید یا به خوبی از آن‌ها



جدا شوید. آنها را برای ضرر زدن به آنها نگه ندارید که به آنها ظلم کنید. کسی که چنین کاری بکند به خودش ظلم کرده. آیات خدا را مسخره نکنید و نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید و کتاب و حکمتی که خدا شما را به وسیله آن موعظه می‌کند به یاد داشته باشید. از نافرمانی خدا بترسید و بدانید که خدا همه چیز را می‌داند. (۲۳۱)

وقتی زنان را طلاق دادید و به پایان مدت رسیدند (عده آنها تمام شد) اگر با شوهر خود به طور شایسته موافقت کردند، آنان را از ازدواج با شوهر سابقشان باز ندارید. این حکم خوبی است که به کسی از شما که به خدا و روز آخرت ایمان دارد سفارش می‌شود. این کار برای پاکی و پاکیزگی شما بهتر است. خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۳۲)

مادران به بچه‌هایشان دو سال کامل برای کسی که بخواهد شیر دادن را کامل کند شیر می‌دهند، و خوراک و پوشاک مادران به طرز شایسته بر عهده پدران است. هیچ‌کس جز به اندازه توانایش موظف نمی‌شود. مادر به خاطر فرزندش ضرر نبیند و پدر هم به خاطر فرزندش ضرر نبیند. همین وظیفه بر عهده وارث است. اگر پدر و مادر خواستند بچه را از شیر بگیرند اشکالی بر آنها ندارد، البته با رضایت هم و مشورت با هم. و اگر تصمیم گرفتید که برای فرزند خود دایه بگیرید، اشکالی ندارد به شرط این‌که حق دایه را به طور شایسته به او بدهید. از نافرمانی خدا بترسید و بدانید خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۳۳)

کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی به جا می‌گذارند باید همسرانشان چهار ماه و ده روز انتظار بکشند و وقتی به آخر این مدت رسیدند، به خاطر کاری که آنها به طرز شایسته درباره خود می‌کنند، اشکالی بر شما وارد نیست. خدا از کارهایی که می‌کنید خبر دارد. (۲۳۴)

اشکالی برای شما وجود ندارد که به کنایه از زنان خواستگاری کنید یا آن را در دل مخفی کنید. خدا می‌داند که شما به یاد آنها می‌افتید. ولی پنهانی با آنها قرار نگذارید مگر این‌که به طرز شایسته‌ای با آنها صحبت کنید. تا مدت چهار ماه و ده روز تمام نشده تصمیم به عقد ازدواج نگیرید و بدانید خدا آنچه را که در دل شما است می‌داند. بنابراین از نافرمانی خدا حذر کنید و بدانید که خدا آمرزنده بردبار است. (۲۳۵)

گاهی بر شما نیست که زنانی را که با آنها همخوابگی نکرده و مهریه‌ای برای آنها تعیین

نکرده‌اید طلاق بدهید. آن‌ها را بهره‌مند سازید. توانگر به اندازه توانایش و فقیر به اندازه توانایش. این وظیفه افراد نیکوکار است. (۲۳۶)

و اگر آن‌ها را قبل از همخوابگی طلاق دادید و برای آن‌ها مهریه‌ای تعیین کرده‌اید، نصف مهریه را به آن‌ها بدهید. مگر این‌که خود زنان یا کسی‌که عقد ازدواج در دست او است آن را ببخشد. اگر ببخشید به تقوی نزدیک‌تر است و فضل (بخشش) را بین خودتان فراموش نکنید، چون خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۳۷)

مراقب نمازها و نماز میانه باشید و با فروتنی برای خدا قیام کنید. (۲۳۸)

اگر در خطر و ترس بودید پیاده یا سواره نماز بخوانید و وقتی خاطر جمع شدید خدا را آنطور که به شما تعلیم داده، و شما آن را نمی‌دانستید، یاد کنید. (۲۳۹)

مردانی از شما که مرگشان فرا می‌رسد و همسرانی به جا می‌گذارند، باید برای همسرانشان مخارج یک‌سال را، بدون بیرون کردن آن‌ها، وصیت کنند. اگر خودشان خارج شدند درباره کارهایی که به طرز شایسته می‌کنند اشکالی بر شما وارد نیست. خدا توانا و حکیم است. (۲۴۰)

وظیفه شوهران پرهیزکار است که موقع طلاق دادن هدیه‌ای مناسب به زنان خود بدهند. (۲۴۱)

خداوند آیاتش را این‌طور برای شما بیان می‌کند تا تعقل کنید (وظیفه خود را تشخیص دهید). (۲۴۲) آیا کسانی را ندیدی که در حالی‌که هزاران نفر بودند از ترس مرگ از سرزمین خود خارج شدند؟ خدا به آن‌ها گفت بمیرید، بعد آن‌ها را زنده کرد. چون خدا به مردم لطف دارد ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (۲۴۳)

در راه خدا مبارزه کنید و بدانید خدا شنوا و دانا است. (۲۴۴)

کیست که به خدا قرض نیکو بدهد تا خدا آن را چند برابر کند؟ خداست که بر مردم تنگ می‌گیرد و گشایش می‌دهد و به سوی او برگردانده می‌شوید. (۲۴۵)

آیا آن دسته از بزرگان بنی‌اسرائیل را بعد از موسی ندیدی، که به پیغمبرشان گفتند: فرماندهی برای ما تعیین کن تا در راه خدا بجنگیم. او گفت: آیا امکان دارد که اگر جنگ بر شما واجب شود نجنبید؟ گفتند: چرا در راه خدا نجنبیم؟ در صورتی که ما را از سرزمین خود و از پیش فرزندانمان بیرون کرده‌اند. ولی وقتی فرمان جنگ برای آن‌ها صادر شد همگی، به‌جز عده کمی از آن‌ها، سرپیچی

کردند. خدا ستمکاران را خوب می‌شناسد. (۲۴۶)

پیغمبرشان به آنها گفت: خدا طالوت را فرمانروای شما ساخته. گفتند: چگونه او فرمانروای ما باشد در صورتی که ما به فرمانروایی از او سزاوارتر هستیم، به او ثروت زیادی داده نشده.

پیغمبرشان گفت: خدا او را برگزیده و به او از لحاظ دانایی و توانایی برتری داده است. خدا

فرمانروایی را به هر کس که بخواد می‌دهد. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۲۴۷)

پیغمبرشان به آنها گفت: نشانه فرمانروایی او این است که تابوت، که در آن آرامشی از خداوند

شما و باقیمانده چیزهایی است که خانواده موسی و هارون به جا گذاشته‌اند، برای شما می‌آید و

فرشتگان آن را حمل می‌کنند. اگر افراد باایمانی باشید مسلماً در این کار نشانه‌ای برای شما وجود

دارد. (۲۴۸)

چون طالوت لشکریان را بیرون برد گفت: خدا شما را با رودخانه‌ای امتحان می‌کند. کسی که از آن

بنوشد از من نیست و کسی که از آن ننوشد یا فقط يك مشت آب بنوشد از من است. همه آنها از آن

آب خوردند به‌جز عده کمی. چون او و افراد باایمانی که با او بودند از آن رودخانه عبور کردند

گفتند: ما امروز توانایی برخورد با جالوت و لشکریان او را نداریم. کسانی که گمان داشتند که خدا

را ملاقات می‌کنند گفتند: چه بسیار گروه‌های کوچکی که به خواست خدا بر گروه‌های بزرگ غلبه

کردند. خدا با افراد بااستقامت است. (۲۴۹)

چون در مقابل جالوت و لشکریانش قرار گرفتند گفتند: خداوند، به ما صبر عطا کن و قدم‌های ما را

ثابت نما و ما را در مقابل افراد بی‌ایمان پیروز گردان. (۲۵۰)

در نتیجه آنها را به خواست خدا شکست دادند و داود جالوت را کشت و خدا به او فرمانروایی و

حکمت داد و هر چه می‌خواست به او یاد داد. اگر خدا بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع

نمی‌کرد، زمین خراب می‌شد ولی خدا به افراد بشر لطف دارد. (۲۵۱)

این آیات خداوند است که به حق بر تو می‌خوانیم و بدون تردید تو از پیغمبرانی. (۲۵۲)

ما بعضی از پیغمبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم. از آنها کسی بود که خدا با او صحبت کرد،

و بعضی را درجاتی برتر داد. به عیسی پسر مریم معجزات روشن دادیم و او را با روح القدس

(روح پاک) تایید کردیم. اگر خدا می‌خواست، مردم بعد از آمدن پیغمبران و دلایل روشن برایشان،

با هم نمی‌جنگیدند، ولی دچار اختلاف شدند. بعضی از آنها ایمان آوردند و بعضی ایمان نیاوردند. اگر خدا می‌خواست با هم نمی‌جنگیدند، ولی خدا هر چه را که اراده کند انجام می‌دهد. (۲۵۳)

ای افراد باایمان، قبل از این‌که روزی بیاید که در آن خرید و فروش و دوستی و شفاعتی وجود ندارد، از آنچه روزی شما ساخته‌ایم انفاق کنید. کسانی‌که قبول نکنند ظالمند. (۲۵۴)

معبودی (کسی‌که شما در مقابل او احساس و ابراز کوچکی کنید و او را عامل برآوردن آرزوهای خود بدانید) غیر از خدا وجود ندارد. زنده و پاینده است. نه چرتش می‌گیرد و نه می‌خواهد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است مال اوست. چه کسی بدون اجازه او می‌تواند پیش او شفاعت کند؟ خدا آنچه جلوی آنها و آنچه پشت سر آنها است را می‌داند، در صورتی که آنها ذره‌ای از علم خدا اطلاع ندارند، مگر تا آنجا که خدا خواسته. عرش (حکومت) او آسمان‌ها و زمین را فراگرفته و از نگهداری آنها نمی‌رنجد و او بلندمرتبه و بزرگ است. (۲۵۵)

در دین اکراهی (اجباری) نیست. راه صحیح از غلط روشن شده. کسی‌که طاغوت (طغیان‌کننده‌ای که دستوری بر خلاف دستور خدا بدهد) را نپذیرد و به خدا ایمان بیاورد به دستاویز محکمی چسبیده که پاره‌شدنی نیست و خدا شنوا و دانا است. (۲۵۶)

خدا پشتیبان افراد باایمان است. آنها را از تاریکی‌ها بیرون می‌آورد و به طرف نور می‌برد. در صورتی که یاور افراد بی‌ایمان طاغوت‌ها (طغیانگران) هستند که آنها را از نور بیرون آورده به درون تاریکی‌ها می‌برند. آنها اهل آتش جهنم هستند و همیشه در آن خواهند بود. (۲۵۷)

آیا آن کسی را که خدا به او فرمانروایی داده بود و با ابراهیم درباره خداوندش بگومگو می‌کرد ندیدی؟ آن وقتی که ابراهیم گفت: خداوند من آن است که جان می‌دهد و جان می‌گیرد. او گفت: من هم جان می‌دهم و جان می‌گیرم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق درمی‌آورد، تو آن را از مغرب درآور. فرد بی‌ایمان مبهوت شد. خدا کسانی را که ظلم می‌کنند هدایت نمی‌کند. (۲۵۸)

یا مثل کسی‌که از شهری عبور می‌کرد در حالی‌که سقف خانه‌های شهر فرو ریخته بود. با خود گفت: خدا چگونه این شهر را بعد از مرگش زنده می‌کند؟! خدا جان او را صد سال گرفت، بعد او را زنده کرد و به او گفت: چه مدت در این حال ماندی؟ گفت: يك روز یا قسمتی از روز. خدا گفت: صد سال در این حالت ماندی، به غذا و نوشیدنی خودت نگاه کن که نگذیده و به خرت نگاه کن تا

تو را برای مردم نشانه‌ای برای رستاخیز بسازم، و به استخوان‌های خرت نگاه کن که چطور آن‌ها را دوباره سر هم می‌کنیم و به آن گوشت می‌پوشانیم. وقتی مطلب برای او روشن شد گفت: حالا می‌دانم که خدا بر هر کاری قادر است. (۲۵۹)

وقتی را یادآوری کن که ابراهیم گفت: خداوندا، به من نشان بده که مرده‌ها را چگونه زنده می‌کنی؟ خدا گفت: آیا ایمان نیاورده‌ای؟ ابراهیم گفت: چرا، ولی برای این‌که دلم اطمینان پیدا کند. خدا گفت: چهار پرنده بگیر و آن‌ها را تکه‌پاره کن و سر هر کوهی قسمتی از آن را بگذار، بعد آن‌ها را صدا بزن تا با سرعت پیش تو بیایند و بدان که خدا مقتدر و حکیم است. (۲۶۰)

حکایت کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق (خرج) می‌کنند مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه دربیاید و در هر خوشه صد دانه باشد. خدا آن را برای هر کسی که بخواد چند برابر می‌کند. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۲۶۱)

اشخاصی که مالشان را در راه خدا خرج می‌کنند و دنبال آن منتهی نمی‌گذارند و اذیتی نمی‌کنند، پاداش کارشان پیش خداوندشان محفوظ است، نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۲۶۲)

زبان خوش و طلب آمرزش، بهتر از انفاقی است که دنبال آن اذیتی باشد. خدا بی‌تیاژ و بردبار است. (۲۶۳)

ای افراد باایمان، انفاق خود را با منت‌گذاشتن و اذیت کردن از بین نبرید. مثل کسی که مالش را برای این‌که مردم ببینند خرج می‌کند و به خدا و روز آخرت ایمان ندارد، وضع کار او شبیه سنگ صافی است که روی آن خاکی باشد و باران تنندی بر آن ببارد و آن را بدون ذره‌ای خاک باقی بگذارد. اینگونه افراد از کاری که کرده‌اند بهره‌ای نمی‌برند. خدا افراد بی‌ایمان را هدایت نمی‌کند. (۲۶۴)

داستان کسانی که مالشان را در راه رضای خدا و برای آرامش قلب خود خرج می‌کنند، مثل باغی است که روی تپه‌ای باشد و باران تنندی بر آن ببارد در نتیجه میوه‌اش را دو برابر می‌دهد و اگر باران تند بر آن نبارد همان باران کم هم کافی است. خدا کارهایی را که می‌کنید می‌بیند. (۲۶۵)

آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از خرما و انگور داشته باشد که در آن نهرها روان باشد و هر نوع میوه‌ای در آن داشته باشد و به سن پیری برسد و بچه‌های کوچکی داشته باشد و در چنین

حالی گردبادی که در آن آتش است به آن برسد و باغ آتش بگیرد؟ خدا آیاتش را این‌طور برای شما بیان می‌کند شاید فکر کنید. (۲۶۶)

ای افراد باایمان، از چیزهای پاکی که به دست آورده‌اید و از آنچه برای شما از زمین بیرون آورده‌ایم انفاق (در راه خدا خرج) کنید و از چیزهای به درد نخور انفاق نکنید، چیزی که خودتان آن را با اکراه می‌گیرید، و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده است. (۲۶۷)

شیطان شما را از فقر می‌ترساند (وعده می‌دهد) و به شما دستور کارهای بد را می‌دهد. در صورتی که خدا به شما وعده آمرزش و لطف خودش را می‌دهد. خدا وسعت‌دهنده دانا است. (۲۶۸)

خدا دانش حقیقی را به هر کسی که بخواهد می‌دهد و به کسی که دانش حقیقی داده شد، خیر زیادی داده شده. فقط افراد عاقل متوجه این حقیقت می‌شوند. (۲۶۹)

خدا هر انفاقی (خرجی) و هر نذری که کرده‌اید می‌داند و کسانی که ظلم می‌کنند یآوری ندارند. (۲۷۰)

اگر انفاق را آشکارا بکنید خوب است و اگر آن را مخفی کنید و به فقرا بدهید برای شما بهتر است. قسمتی از گناهان شما را از بین می‌برد. خدا از کارهایی که می‌کنید خبردار است. (۲۷۱)

هدایت آن‌ها به عهده تو نیست ولی خدا هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند. هر چیز خوبی که انفاق کنید به نفع خودتان است. و فقط برای به دست آوردن رضای خدا انفاق کنید. هر چیز خوبی که انفاق کنید به طور کامل به شما پس داده می‌شود و به شما ظلم نمی‌شود. (۲۷۲)

انفاق اختصاص به فقیرانی دارد که در راه خدا درمانده شده‌اند و توانایی مسافرت را ندارند. کسی که به وضع آن‌ها آشنا نیست آن‌ها را به علت آبروداری بی‌نیاز می‌پندارد. آن‌ها را از علامت و صورتشان می‌شناسی. با اصرار از مردم تقاضای کمک نمی‌کنند. هر چیز خوبی که انفاق کنید خدا از آن اطلاع دارد. (۲۷۳)

کسانی که مالشان را شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است، نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۲۷۴)

کسانی که ربا می‌خورند فقط مثل کسی که شیطان او را دیوانه کرده باشد برمی‌خیزند. این حالت

به خاطر این است که گفتند: خرید و فروش هم مثل ربا است. در صورتی که خدا خرید و فروش را حلال کرده و ربا را حرام نموده. کسی که وقتی نصیحت خداوندش برای او آمد از رباخواری دست کشید، سودهای قبلی مال خودش و کارش با خدا است. و کسی که رباخواری را تکرار کند اهل جهنم است و همیشه در آن است. (۲۷۵)

**خدا ربا را نابود می‌کند و انفاق را رشد می‌دهد. خدا افراد بی‌ایمان گناهکار را دوست ندارد. (۲۷۶)**  
کسانی که ایمان آوردند و کار درست و صحیح کردند و نماز را به پا داشتند و زکات دادند، پاداششان پیش خداوندشان محفوظ است. نه ترسی دارند و نه غصه‌ای. (۲۷۷)

ای افراد باایمان، از نافرمانی خدا بترسید و اگر ایمان دارید باقیمانده ربا را ترك کنید. (۲۷۸)  
اگر این کار را نکنید اعلام جنگ به خدا و پیغمبرش داده‌اید و اگر توبه کردید (دست از رباخواری برداشتید) اصل مالتان مال خودتان است. ظلم نمی‌کنید و به شما هم ظلم نمی‌شود. (۲۷۹)  
**اگر بدهکار تنگدست باشد به او مهلت داده شود تا وقتی که پرداخت آن برای او ممکن شود. و اگر دانا باشید می‌دانید که اگر آن را ببخشید برای شما بهتر است. (۲۸۰)**

از روزی بترسید که در آن روز پیش خدا برگردانده می‌شوید. بعد هر کسی جزای کارهایی را که کرده می‌بیند و به کسی ظلم نخواهد شد. (۲۸۱)

ای افراد باایمان، وقتی قرضی را برای مدت معلومی به هم می‌دهید آن را بنویسید و باید نویسنده آن را با عدالت بنویسد و نویسنده نباید از نوشتن آن، همان‌طور که خدا به او یاد داده، خودداری کند. باید بنویسد و کسی که قرض می‌گیرد باید بگوید تا او بنویسد و باید از خدا که فرمانروای او است بترسد و ذمه‌ای از آن را فروگذار نکند. اگر قرض‌گیرنده کم‌عقل یا صغیر باشد یا نتواند حرف بزند باید سرپرست او به عدالت بگوید تا نوشته شود و دو نفر از مردان خود را شاهد بگیرید. اگر دو مرد نبودند يك مرد و دو زن از شاهدهایی که مورد رضایت شما هستند شاهد بگیرید که اگر یکی از آنها گمراه شد یا فراموش کرد دیگری یادآوری کند. وقتی شاهدها برای شهادت دعوت شدند از آن خودداری نکنند. از نوشتن آن، چه کم باشد چه زیاد و از نوشتن مدت آن خودداری نکنید. این کار پیش خدا عادلانه‌تر و برای شهادت بهتر است و برای این‌که شك نکنید مطمئن‌تر است. مگر این‌که تجارتي حضوری باشد که پول و جنس را دست به دست می‌کنید. در اینصورت

بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. وقتی خرید و فروش می‌کنید شاهد بگیرید. به نویسنده و شاهد نباید ضرری وارد شود. اگر ضرر بزنید از اطاعت خدا خارج شده‌اید. از نافرمانی خدا بترسید. خدا به شما (طرز کار را) یاد می‌دهد. خدا هر چیزی را می‌داند. (۲۸۲)

**اگر حین سفر هستید و نویسنده‌ای پیدا نمی‌کنید، گرویی بگیرید.** اگر کسی از شما به دیگری امانتی سپرد، کسی که امانت به او سپرده شده باید امانت را به صاحبش برگرداند و باید از نافرمانی خدا که فرمانروای او است بترسد و شهادت را پنهان نکنید. **کسی که شهادت را پنهان کند قلباً گناهکار است.** خدا کارهایی را که می‌کنید می‌داند. (۲۸۳)

هر چه در آسمان‌ها و زمین است مال خداست. اگر آنچه در دلتان است آشکار کنید یا پنهان کنید خدا شما را مطابق آن محاسبه می‌کند. هر کس را که بخواند می‌بخشد و کسی را که بخواند عذاب می‌کند. **خدا قادر به هر کاری است.** (۲۸۴)

پیغمبر به آنچه از خداوندش به او نازل شده ایمان دارد. همه افراد باایمان به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیغمبرانش ایمان دارند. **می‌گویند: فرقی بین هیچکدام از پیغمبرانش نمی‌گذاریم.** و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. خداوند، آمرزش تو را می‌خواهیم. بازگشت همه پیش تو است. (۲۸۵)

**خدا کسی را جز به اندازه توانایش موظف نمی‌کند.** هر کس هر کار نیکی بکند به نفع خودش است و هر کار بدی بکند بر عهده خودش است. خداوند، اگر فراموش کردیم یا اشتباه کردیم ما را مجازات نکن. خداوند، تکلیف سنگینی، آنطور که بر عهده کسانی که قبل از ما بودند گذاشتی، بر عهده ما مگذار. خداوند، چیزی که طاقت آن را نداریم بر عهده ما مگذار. گناه ما را ببخش و ما را بیامرزد و به ما رحم کن. **(فقط) تو مولا و سرور ما هستی، پس ما را بر افراد بی‌ایمان پیروز گردان.** (۲۸۶)